

گام‌های پَسین در فلسفه بَرین

گام مبانی

حسین عشاقی

تألیفات و تصانیف

■ عنوان تحقیق: گام‌های پسین در فلسفه برین (گام مبانی)

■ پژوهشکده: حکمت و دین پژوهی

■ گروه علمی: فلسفه

■ محقق: حسین عشاقی

■ ارزیابان علمی: سیددالله یزدان‌پناه و سیدمحمد انتظام

■ موضوع اصلی: فلسفه

■ موضوع فرعی: فلسفه اسلامی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

گام‌های پسین در فلسفه برین

گام مبانی

حسین عشاقی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: عشاقی اصفهانی، حسین، ۱۳۳۴-.

عنوان و نام پدیدآور: گام‌های پسین در فلسفه برین (گام مبانی) / حسین عشاقی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۶۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۳۳۲-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: فلسفه اسلامی.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: BBR ۱۴ / ۵۵۷۳ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۹۷۳۴۴

نقاط بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگ‌نار	۱۷
مقدمه	۲۱
الف) تبیین اهمیت و ضرورت بازسازی فلسفه بر مبنای وحدت وجود	۲۱
ب) پیشینه تحقیق	۲۳
ج) هدف و روش در این تحقیق	۲۵
د) تعریف مسئله و بیان پرسش‌های تحقیق	۲۶
ه) فرضیه‌های تحقیق	۲۷
و) نوآوری و نقدهای تحقیق	۲۷
ز) ساختار کلی این تحقیق	۲۹

بخش اول: فلسفه از نگاه دیگران	۳۱
تمهیدات	۳۳
۱. تحکیم یک مقدمه عام	۳۳
اشکال مصادره در بیان امتناع ارتفاع نقیضین	۳۴
برهانی بر اصل امتناع ارتفاع نقیضین	۳۵
اشکال نقض امتناع ارتفاع نقیضین، به جواز سلب نقیضین از معدومات و پاسخ آن	۳۵
۲. طرح بحث در مورد موضوع فلسفه اولی	۳۶
۳. حکم‌ناپذیری «هستی»	۳۸

- ۳۸..... تعریف حکم.....
- ۴۰..... برهان اول.....
- ۴۲..... برهان دوم.....
- ۴۳..... برهانی بر عدم ناب‌بودن نقیض «وجود ناب».....
- ۴۴..... برهان سوم.....
- ۴۵..... ۴. موانع حکم‌پذیری «هستی».....
- ۴۶..... امتناع عروض بر «هستی».....
- اشکال خارجی نبودن عروض احکام وجود به لحاظ معقول ثانی بودن آنها و پاسخ
- ۴۶..... ن.....
- ۵۱..... امتناع عروض «واجب‌الوجود» و «ممتنع‌الوجود» بر حقیقت «هستی».....
- ۵۲..... کثرت‌ناپذیری حقیقت «وجود».....
- ۵۳..... ۵. خلاصه‌سازی و نتیجه‌گیری.....
- ۵۳..... شرایط حکم‌شدن محسوس برای موضوعی.....
- ۵۴..... اشکال ضرورت حکم‌بودن موضوع از نقیضین برای «هستی» و پاسخ آن.....
- ۵۶..... اشکال لزوم ارتفاع نقیضین از حکم نبودن نقیضین برای «هستی» و پاسخ آن.....
- ۵۹..... ۶. هشدارهایی در مورد حکم‌ناپذیری «هستی».....
- ۶۱..... ۷. فضای شکل‌گیری موضوع و حکم برای واقعیت.....
- ۶۱..... برهان نفی کثرت از وجود.....
- ۶۳..... فصل اول: نگاهی به مباحث زیربنایی فلسفه‌شناسی و تدوین آن.....
- ۶۳..... پیشگفتار.....
- ۶۴..... مبحث اول: نگاهی به مبادی یا مسائل اصلی فلسفه‌شناسی.....
- ۶۴..... گفتار اول: تعریف فلسفه‌اولی در فلسفه‌شناسی.....
- ۶۵..... گفتار دوم: موضوع فلسفه‌اولی در فلسفه‌شناسی.....
- ۶۶..... گفتار سوم: عوارض ذاتی موجود بما هو موجود در فلسفه‌شناسی.....
- ۶۶..... گفتار چهارم: وجود عام در فلسفه‌شناسی.....
- ۶۷..... گفتار پنجم: کثرت وجود فلسفه‌شناسی با حقایق کاملاً متباین.....
- ۶۸..... مبحث دوم: نقد مبادی یا مسائل اصلی فلسفه‌شناسی.....
- ۶۸..... گفتار اول: بطلان موضوع فلسفه‌بودن «موجود مطلق» بر اساس دیدگاه مشائیان.....

گفتار دوم: عدم تحقق مصداقی برای «عوارض موجود بما هو موجود» بر اساس

دیدگاه مشائیان..... ۷۱

گفتار سوم: بطلان دیدگاه فلاسفه مشائی در تعریف فلسفه..... ۷۲

گفتار چهارم: امتناع اتصاف وجودات خاصه به وجود عام بر اساس دیدگاه مشائیان..... ۷۳

گفتار پنجم: نقد کثرت وجود فلسفه مشائی با حقایق کاملاً متباین..... ۷۴

برهان اول..... ۷۴

برهان دوم..... ۷۵

گفتار ششم: امتناع عرضی بودن وجود عام نسبت به وجودات خاصه مشائیان..... ۷۷

گفتار هفتم: حد استدلال فلاسفه مشائی بر تباین وجودات خاصه..... ۷۸

فصل دوم: نگاه به مباحث زیربنایی فلسفه اشراقی و نقد آن ۸۱

مبحث اول: مبانی یا مسائل اصلی فلسفه اشراقی..... ۸۱

گفتار اول: تعریف فلسفه اولی در فلسفه اشراقی..... ۸۱

گفتار دوم: موضوع فلسفه اولی در فلسفه اشراقی..... ۸۲

گفتار سوم: کثرت وجود فلسفه اشراقی بر اساس تباین نور و ظلمت..... ۸۲

مبحث دوم: نقد مبادی یا مسائل اصلی فلسفه اشراقی..... ۸۵

گفتار اول: اشکالات دیدگاه کثرت وجود فلسفه اشراقی بر اساس تباین نور و

ظلمت..... ۸۵

الف) اشکال خروج مقسم از دو سوی تناقض..... ۸۷

درستی تردید بین نقیضین و نادرستی تقسیم به نقیضین..... ۸۸

ب) اشکال لزوم تناقض از تقسیم شیء یا وجود به نور و چیزی که نور نیست..... ۹۳

ج) اشکال لزوم اجتماع نور و ظلمت از تقسیم شیء یا وجود به نور و چیزی

که نور نیست..... ۹۵

تناقضی دیگر..... ۹۶

د) اشکال امتناع مقسمیت چیزی برای نور و چیزی که نور نیست..... ۹۶

گفتار دوم: عدم تحقق موضوعی برای فلسفه اولی بر اساس دیدگاه فلاسفه

اشراقی..... ۹۷

گفتار سوم: مصداق نداشتن تعریف فلسفه اولی بر اساس دیدگاه فلاسفه اشراقی..... ۹۸

فصل سوم: نگاهی به مباحث زیربنایی حکمت متعالیه صدرائی و نقد

آن ۱۰۱

مبحث اول: نگاهی به مبادی یا مسائل اصلی حکمت متعالیه صدرائی ۱۰۱

گفتار اول: تعریف فلسفه اولی ۱۰۱

گفتار دوم: اطلاعات وجود ۱۰۲

گفتار سوم: حقیقت وجود و تشکیک خاصی در آن ۱۰۲

گفتار چهارم: اصالت وجود ۱۰۴

مبحث دوم: نقد مبادی یا مسائل اصلی حکمت متعالیه صدرائی ۱۰۵

گفتار اول: نقد نظریه تشکیک خاصی در حقیقت وجود ۱۰۵

اشکالات وارد بر اصل دعوای تشکیک خاصی وجود ۱۰۶

اشکال عدم مسانخت مراتب نازل با مرتبه واجب‌الوجودی ۱۰۶

تناقض بودن مراتب وجود امکانی یا مرتبه وجود واجبی بر مبنای تشکیک ۱۰۸

۳. ملازمیت تشکیک و رد با تعدد واجب‌الوجود ۱۱۲

بیان اشکال پیرین به شکل دیگر ۱۱۴

۴. ناهمگونی مابه‌الاشتراک و مابه‌الاجاز در مراتب وجودات امکانی ۱۱۵

۵. ناهمگونی هر مرتبه با سایر مرتبه‌ها ۱۱۶

۶. ناسازگاری تنزل حقیقت وجود با اصل تنزل وجود متنازل ۱۱۷

ب) اشکالات وارده بر ادله تشکیک خاصی وجود ۱۲۰

گفتار دوم: ارزیابی وحدت شخصی حکمت متعالیه صدرائی ۱۲۱

الف) برهان صدرالمتألهین بر وحدت شخصی وجود ۱۲۲

۱. اثبات مقدمه اول ۱۲۲

۲. اثبات مقدمه دوم برهان ۱۲۴

۳. نتیجه‌گیری از دو مقدمه ۱۲۶

ب) نقدهای وارد بر استدلال صدرالمتألهین بر وحدت شخصی وجود ۱۲۶

۱. اشکال عدم تحقق موضوع استدلال ۱۲۶

معلول شدن واجب‌الوجود ۱۲۶

لزام خلف ۱۲۸

۲. اشکال مخدوش بودن مقدمه اول ۱۲۹
- پاسخ به دو استدلال مقدمه اول ۱۳۰
۳. اشکال مخدوش بودن مقدمه دوم ۱۳۱
- ج) بُرد برهان صدرالمتهلین بر وحدت شخصی وجود در فرض تمامیت آن ۱۳۵
- گفتار سوم: بیان و نقد تشکیک غیرتفاضلی در حقیقت وجود ۱۴۰
- الف) برهان صدرالمتهلین بر تشکیک غیرتفاضلی ۱۴۲
- ب) اشکالات وارد بر دعوای تشکیک غیرتفاضلی وجود ۱۴۴
۱. اشکال لزوم خلف یا تناقض ۱۴۴
۲. اشکال لزوم خلف یا تناقضی دیگر ۱۴۶
۳. اشکال لزوم انقلاب در حقیقت وجودات ۱۴۸
- اشکال ۱. امتداد مصادقیت مرتبه اشرف یک حقیقت برای آن، و پاسخ آن ۱۵۰
- ج) اشکالات وارد بر تشکیک غیرتفاضلی وجود ۱۵۳
۱. اشکال بر بسطت واجب به عنوان صغرای قیاس ۱۵۳
- ۱-۱. ملازمه بساطت، تقید مطلق، و با تناقض در محمول صغرا ۱۵۴
- ۱-۲. امتناع بساطت و بالوجه ۱۵۹
۲. اشکال بر قاعده بسیط الحقیقه به - واز - ای قیاس ۱۶۰
- ۱-۲. ابتناء قاعده «بسیط الحقیقه» بر تحقق ثوبها - کثرت در وجود ۱۶۱
- ۲-۲. عدم لزوم خلف در فرض سلب امر رجودی از بسیط الحقیقه ۱۶۴
- ۲-۳. ناتمامی استدلال بر لزوم خلف، در صورت سلب امر رجودی از بسیط ۱۶۸
- ۲-۴. عدم لزوم خلف حتی در فرض لزوم ترکیب در بسیط الحقیقه ۱۷۱
- گفتار چهارم، نقد نظریه اصالت وجودهای خاص ۱۷۲
- الف) دو برهان بر امتناع اصالت وجودهای خاص ۱۷۲
- ب) برهان‌هایی بر ملازمت اصالت وجود با وجوب ذاتی آن ۱۷۳
- ج) اشتراک شیخ اشراق و صدرالمتهلین در طرح یک اشکال ۱۷۶
- گفتار پنجم: نقد ادله اصالت وجودهای خاص ۱۷۸
- الف) بیان و نقد دلیل اول ۱۷۸

۱۷۹ (ب) بیان و نقد دلیل دوم

۱۸۰ (ج) بیان و نقد دلیل سوم

۱۸۳ (د) بیان و نقد دلیل چهارم

۱۸۴ (ه) بیان و نقد دلیل پنجم

۱۸۴ (و) بیان و نقد دلیل ششم

۱۸۵ (ز) بیان و نقد دلیل هفتم

۱۸۶ (ح) بیان و نقد دلیل هشتم

۱۸۸ (ط) بیان و نقد دلیل نهم

۱۹۱ (ث) بیان و نقد دلیل دهم

گفتار نهم: عدم تحقق موضوع فلسفه اولی بر اساس دیدگاه فلاسفه حکمت

۱۹۴ متعال

بخش دوم: فلسفه از نگاه رابعا ۱۹۵

فصل اول: موضوع فلسفه اوله ۱۹۷

مبحث اول: مباحث مقدماتی در بیان موضوع فلسفه اولی ۱۹۷

گفتار اول: تعریف موضوع علوم ۱۹۷

گفتار دوم: تفاوت حکم‌ناپذیری با محمول‌ناپذیری ۱۹۹

گفتار سوم: اقسام محمولات ۲۰۰

گفتار چهارم: محمولاتی که از احکام موضوعاتشان هستند ۲۰۳

گفتار پنجم: امکان ظهور حقیقت واحد در جلوه‌های متعدد ۲۰۴

(الف) مثال حد و محدود ۲۰۴

(ب) مثال صفات ذاتی حق ۲۰۵

(ج) مثال حیثیات صادر نخستین ۲۰۶

(د) مثال عاقل و معقول در مجرد جوهری ۲۰۷

(ه) مثال‌هایی از متون روایی ۲۰۸

گفتار ششم: برهان‌هایی بر ظهور حقیقت «وجود» در جلوه‌های متعدد، بلکه

بی‌نیهایت ۲۱۳

(الف) برهان بر اساس امتناع رفع تقیضین ۲۱۳

- ب) برهان بر اساس واجب بودن هر «موجود» و وحدت واجب ۲۱۶
- ج) تفاوتی بنیادین بین فلسفه انتخابی و فلسفه‌های رایج ۲۱۷
- د) تنظیری برای مدعای گفتار ششم از اعداد ۲۱۷
- ه) اشکال بر برهان مدعای گفتار ششم، به جواز سلب نقیضین از حقیقت
لا بشرطی «وجود» و پاسخ آن ۲۱۹
- ز) اشکال نقض برهان مدعای گفتار ششم، با وجوب قالب ظهوری در حمل
ظواهرهای وجود و پاسخ آن ۲۲۰
- ح) اشکال لزوم همسانی وجود و ظهوراتش در وحدت و کثرت، در صورت
ارتقا سیئیت آن دو، و پاسخ آن ۲۲۳
- ط) اشکال لزوم ورود اشکالات قاعده بسیط الحقیقه بر ظاهرهای متکثر
وجود و پاسخ آن ۲۲۴
- ی) تعریف ظاهر «موجود» ۲۲۹
- گفتار هفتم: نامتناقض بودن ظاهرهای وجود در قالب‌های متقابل ۲۳۰
- تنظیری برای بحث از فلسفه‌های رایج ۲۳۲
- گفتار هشتم: اقسام ظاهرهای وجود ۲۳۲
- مبحث دوم: دیدگاه انتخابی در موضوع فلسفه‌ای ۲۳۳
- گفتار اول: مقتضیات دیدگاه منتخب دربارهٔ موضوع فلسفه ۲۳۳
- الف) کثرت‌پذیری حقیقت «وجود» از جهت ظهور ۲۳۴
- ب) جواز عروض بر حقیقت «وجود» از جهت ظهور ۲۳۴
۱. اشکال خارجی نبودن عروض احکام وجود به لحاظ معقول ثانوی بودن
آنها و پاسخ آن ۳۶
۲. اشکال امتناع عروض احکام بر حقیقت وجود از حیث ظهور و پاسخ
آن ۲۳۸
- ج) جواز انقسام‌پذیری «وجود» از جهت ظهورش ۲۳۹
۱. برهانی بر انقسام‌ناپذیری وجود ۲۳۹
۲. اشکال لزوم تناقض از انقسام وجود از جهت ظهور، و پاسخ آن ۲۴۱
- د) جواز تابعیت در ظهور در عین استقلال در شیئیت ۲۴۴

۱. برهان عقلی بر جواز ظهور واجب‌الوجود در کسوت مظاهر وابسته به
 ۲۴۶ غیر
۲. برهان نقلی بر جواز ظهور واجب‌الوجود در کسوت مظاهر وابسته به
 ۲۴۷ غیر
۳. سازگاری عمومیت وجود به حسب ظهور، با عروض حکم ۲۴۸
۴. یادآوری دو نکته ۲۵۳
۵. گفتار دوم: تمایز موضوعات سایر علوم با موضوع فلسفه ۲۵۴
- فصل دوم: مبادی تصدیقی مسائل فلسفه اولی ۲۵۷**
۱. تمهیدات ۲۵۷
۲. اعتبار این جایگاه مباحث امور عامه ۲۵۷
- الف اشکال: کم‌بودن امور عامه به عنوان ظاهره‌های وجود برای حقیقت
 «و رد» پاسخ آن ۲۵۹
- ب) جهت اتحاد اولیای در این گزاره‌ها ۲۶۰
- گفتار دوم: معیار نسبت ظهور و ظاهره‌های وجود ۲۶۱
- گفتار سوم: انقسام مبادی تصدیقی گزاره‌های فلسفی به دو دسته ۲۶۳
- مبحث دوم: مبادی تصدیقی مسائل فلسفی ۲۶۵
- گفتار اول: اثبات گزاره («وجود» ، موجود است) ۲۶۵
- الف) برهان اول ۲۶۶
- اشکال لزوم دور، در صورتی که «وجود» درک حقیقی موجود باشد و
 پاسخ آن ۲۶۷
- ب) برهان دوم ۲۷۱
- بیانی دیگر برای برهان دوم ۲۷۱
- ج) برهان سوم ۲۷۲
- د) برهان چهارم ۲۷۲
- ه) برهان پنجم ۲۷۳
- و) برهان ششم ۲۷۴
- ز) برهان هفتم ۲۷۵
- گفتار دوم: اثبات گزاره («وجود» ، موجود بالذات است) ۲۷۶

الف) برهان اول.....	۲۷۶
ب) برهان دوم.....	۲۷۷
ج) برهان سوم.....	۲۷۷
د) برهان چهارم.....	۲۷۸
ه) برهان پنجم.....	۲۷۸
ظاهر نبودن موجودیت برای «وجود».....	۲۷۹
گفتار سوم: اثبات گزاره «(وجود)، واجب الوجود بالذات است».....	۲۷۹
مقدمه: دو معنای «واجب الوجود بالذات».....	۲۷۹
الف) واجب الوجود بالذات بودن حقیقت «وجود» به معنای اول.....	۲۸۲
۱. برهان بر اساس امتناع ذاتی اجتماع نقیضین.....	۲۸۲
۲. برهان بر اساس امتناع ذاتی ارتفاع نقیضین.....	۲۸۳
۳. برهان بر اساس عدم بودن نقیض واجب بالذات.....	۲۸۴
۴. برهان بر اساس امتناع خلاف مدعا با عدم بودن وجود.....	۲۸۴
۵. برهان بر اساس ملازمه خلاف مدعا با سه تناقض.....	۲۸۵
۶. برهان بر اساس ملازمه خلاف مدعا با عدم بودن برخی وجودها.....	۲۸۶
۷. برهان بر اساس ملازمه خلاف مدعا با ارتفاع نقیضین.....	۲۸۷
۸. برهان بر اساس امتناع نقیض واجب الوجود.....	۲۸۸
ب) اثبات واجب الوجود بالذات بودن حقیقت «وجود» به معنای دوم.....	۲۸۹
گفتار چهارم: اثبات گزاره «(وجود)، ممکن الوجود است».....	۲۹۱
الف) امتناع وجود امکانی و بطلان تثلیث مواد.....	۲۹۱
ب) دو برهان بر بطلان تثلیث مواد.....	۲۹۱
ج) تبیین ممکن الوجود بودن حقیقت «وجود» و ظاهرهای آن.....	۲۹۵
د) تعریف حقیقت امکانی.....	۲۹۸
ه) عدم تنافی واجب الوجود بودن و ممکن الوجود بودن حقیقت «وجود».....	۳۰۰
گفتار پنجم: اثبات گزاره «(وجود) متکثر نیست».....	۳۰۴
الف) تمهید.....	۳۰۴
ب) براهین عدم تکثر وجود.....	۳۰۵
۱. برهان بر مبنای واجب الوجود بودن حقیقت «وجود».....	۳۰۵

۲. برهان بر مبنای ملازمت کثرت با تناقض و سلب قسم از خودش..... ۳۱۰
- اثبات مقدمه اول..... ۳۱۰
- اثبات مقدمه دوم..... ۳۱۱
۳. برهان بر مبنای ملازمت کثرت با ارتفاع نقیضین از «وجود»..... ۳۱۳
۴. برهان بر مبنای امتناع مقسمیت چیزی برای «ج» و چیزی که «ج» نیست..... ۳۱۴
- امتناع ثبوت لازمه مشترک برای نقیضین..... ۳۱۴
- ملازمت تحقق کثرت در وجود با ثبوت لازمه مشترک برای نقیضین..... ۳۱۵
۵. برهان بر مبنای امتناع نقیض واجب‌الوجود..... ۳۱۵
- اشکال ثبوت کثرت در وجود به عین وجود واجب بالذات و پاسخ آن..... ۳۱۶
- بیان برهان پنجم به شکل دیگر..... ۳۱۷
۶. بیان بر مبنای لزوم اجتماع نقیضین در مابعدالامتیازها..... ۳۱۸
- ج) امکان کثرت ظواهرات و ظاهره‌های «وجود»، در عین کثرت ناپذیری خود «وجود»..... ۳۲۰
۱. تنظیری برای تک ظهور و ظاهره‌های وجود در عین عدم تکثر خود وجود..... ۳۲۲
۲. اشکال ناهمسانی تعدد احوال یک جنس با تعدد ظهورات و ظاهره‌های وجود و پاسخ آن..... ۳۲۲
۳. بیان نوع تغایر بین حقیقت «وجود» و ظاهره‌ها..... ۳۲۵
- گفتار ششم: اثبات گزاره «وجود» در همه ظاهره‌های اصیال است..... ۳۳۱
- الف) مراد از اصالت «وجود» در همه ظاهره‌هایش..... ۳۳۱
- ب) برهان بر اصالت وجود در همه ظاهره‌هایش..... ۳۳۱
۱. برهان بر اساس امتناع رفع نقیضین..... ۳۳۱
۲. برهان بر اساس حمل شیء بر خودش بدون واسطه..... ۳۳۲
- نقض برهان دوم به حمل جنس بر نوع و پاسخ آن..... ۳۳۴
- ج) تعلق اصالت به شئیت ظاهره‌های وجود، نه به ظهور آنها..... ۳۳۴
- اشکال لزوم ارتفاع نقیضین در صورت نیاز به انضمام ظهوری در حمل ظهورات و پاسخ آن..... ۳۳۵

د) تفاوت اصالت وجود در موجودیت، و اصالت وجود در ظاهره‌هایش ۳۳۷	
ه) مقایسه اصالت وجود در همه ظاهره‌هایش با قاعده بسیط الحقیقه ۳۳۸	
گفتار هفتم: اثبات گزاره «وجود»، مطلق است) ۳۳۹	
برهان بر امتناع تقید حقیقت «وجود» ۳۳۹	
الف) برهان بر اساس عدم‌ناپذیری و کثرت‌ناپذیری «وجود» ۳۳۹	
ب) برهانی بر اساس تجزیه‌ناپذیری و عدم‌ناپذیری «وجود» ۳۴۰	
ج) برهان بر اساس امتناع رفع نقیضین از «وجود» ۳۴۱	
نقض برهان سوم به تقید ظهور مطلق و پاسخ آن ۳۴۳	
گفتار هشتم: اثبات گزاره «وجود» به حسب شیئیتش هیچ شیء دیگری نیست ۳۴۴	
گفتار نهم: اثبات گزاره هیچ شیئی وصف «وجود» نیست) ۳۴۵	
الف) اشکال لزوم امتناع نقیضین در صورت خالی‌بودن «وجود» از هر وصف و پاسخ آن ۳۴۶	
ب) اشکال لزوم بی‌کمالی حقیقت «وجود»، از وصف‌ناداری آن، و پاسخ آن ۳۴۷	
ج) اشکال لزوم تهاافت بین ذاتی صفات از «وجود» و ثبوت محمولات برای آن، و پاسخ آن ۳۴۷	
گفتار دهم: اثبات گزاره (حقیقت «وجود» در مرتبه نشانی ظاهره‌ای ندارد) ۳۴۸	
اشکال لزوم ارتفاع نقیضین از بی‌اسم و رسم‌بودن متعلقات حق و پاسخ آن ۳۴۹	
کتابنامه ۳۵۱	
فهرست روایات ۳۵۵	
نمایه ۳۵۷	
نمایه موضوعی ۳۵۹	

پیشگفتار

در «توبه» انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعالیه تعالی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مرفعی و نجات بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیانی و ارزش‌های اسلامی را سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سوباعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسکن و مآتب سری و نظام‌های مبتنی بر آنها شد.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم نظر به پوری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین، تعیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی-فکری حسب‌الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان آیت‌الله علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری علمی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی که مشتمل بر شش گروه علمی با عناوین «فلسفه»، «معرفت‌شناسی»، «قرآن‌پژوهی»، «کلام و دین‌پژوهی»، «عرفا» و «منطق فهم دین» است، برای تحقق هدف‌های زیر فعالیت می‌کند:

۱. بازپژوهی با پیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
 ۲. تبیین و بالاندن مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
 ۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
 ۴. پاسخ به شبهه‌های انتقادی در قلمبند عقاید و کلام اسلامی؛
 ۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های مغرض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.
- در راستای تحقق هدف‌های فوق، در یک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری، تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود یا محققان عرصه دین‌پژوهی، واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای حقه و تأیید نهایی، برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین‌پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

فلسفه اولی در صدد پاسخ به یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های آدمی است؛ مسئله‌ای که به سان نیاز فطری انسان، در خصوص فهم بنیادی‌ترین حقایق قابل فهم، طرح می‌شود. آدمی با کشف این حقایق به کمال لایق خویش نایل می‌آید؛ اما همان‌طور که فهم صحیح این حقیقت موجب کمال می‌شود، فهم نادرست حقیقت نیز موجبات ضلالت و گمراهی آدمی را فراهم می‌کند. به نظر نویسنده کتاب، مکتب‌های فلسفی موجود در عالم اسلام، بر دو پایه

بنیان نهاده شده‌اند: اول، تکثر «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - و دوم، حکم‌پذیری «هستی»؛ حال آنکه در فلسفه‌های رایج بر این دو اندیشه نه تنها برهانی نیست، بلکه بر نفی آنها برهان‌هایی می‌توان ارائه کرد. محقق گرامی پذیرش این دو مبنا را موجب ایجاد شکاف عمیقی میان فلسفه‌های رایج و فلسفه واقعی می‌داند؛ چراکه بر مبنای این دو دیدگاه، خود «هستی» - به معنای مطلق - واقعیت - موضوع فلسفه اولی پنداشته شده و به دنبالش مسائلی به عنوان اساس این موضوع ارائه شده است؛ حال آنکه خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع نیست و حکمی ندارد تا برای احکام آن بحث و جست‌وجو شود. سپس احکامی برای آن ارائه گردد؛ بنابراین ضرورت دارد این فلسفه‌ها هم به لحاظ این دو دیدگاه که پایه همه آنهاست و هم به لحاظ مسائلی که بر اساس این دو دیدگاه در آنها شکل گرفته، مورد نقد واقع گردند و سپس فلسفه‌ای بر پایه نفی در خرنه شرتی در خود «هستی» پی‌ریزی و بازسازی و ارائه شود. هدف محقق در تألیف این کتاب، تحقیق، فراهم‌نمودن زمینه‌های عقلانی لازم برای بازسازی فلسفه بر اساس سه مبنای زیر است:

- خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - هیچ‌گونه تکثری ندارد.
- حقیقت «وجود» بدون هیچ‌گونه تکثری، و بدون هیچ‌گونه تغییر در خودش به کاستی و افزونی، یا به تنزل و تقید، به گونه‌ای که امری، در قالب‌های متعدد، بلکه بی‌نهایت، تجلی و ظهور می‌کند.
- موضوع فلسفه اولی عبارت است از حقیقت «وجود» از آن جهت که ظهور دارد، نه «موجود» از آن جهت که موجود است، و نه حقیقت «وجود» از آن جهت که وجود یا موجود است.

تحقیق حاضر بر اساس فرایند پژوهشی پژوهشگاه و در راستای هدف‌های پژوهشکده و به قلم محقق ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حسین عشاقی در گروه فلسفه، تألیف و به زیور طبع آراسته شد.

استاد عشاقی از استادان مبرز فلسفه و عرفان اسلامی است که در زمینه حکمت اسلامی، تألیف‌های متعددی دارند. از جمله آثار ایشان به این موارد

می‌توان اشاره کرد: کتاب‌های وعایة الحکمة فی شرح نہایة الحکمة، برهان‌های صدیقین، مواقع الخلل فی قواعد العلل، کثرت با وحدت وجود، و همچنین مقالات حکم‌ناپذیری وجود، برهان‌های عدمی، باور به خدا شرط باور به هر گزاره ایجابی. ایشان هم‌اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی می‌باشد.

در پایان از همه اعضای شورای علمی گروه فلسفه، ارزیابان جناب عجت‌الاسلام والمسلمین یدالله یزدان‌پناه و دکتر سیدمحمد انتظام و همچنین مرلف گرامی که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند و سازمان انتشارات پژوهش‌گام فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، قدردانی نموده، از استادان و صاحب‌نظران درخواست می‌شود با ارسال نظرها و پیشنهادهای سازنده خویش، ما را یاری کنند.

گروه فلسفه

رؤسای گروه، حکمت و دین پژوهی

■ مقدمه ■

الف) تبیین اصالت و ضرورت بازسازی فلسفه بر مبنای وحدت وجود

فلسفه اولی پاسخی است به یک نیاز فطری انسان در مورد فهم زیربنایی ترین افکار انسان و عام ترین حقایق قابل فهم. انسان با کشف این حقایق و درک این افکار، نقیصه نادانی نفسش را نسبت به عام ترین حقایق و زیربنایی ترین افکار، برطرف می کند. به کمال لان خود در این زمینه خواهد رسید؛ اما همان گونه که فهم درست این نوع حقایق، نقیصه بزرگی را از انسان برطرف می کند، به همان اندازه نادانی یا نادرستی فهم انسان هم از آن حقایق، بسیار گمراه کننده و خطر آفرین و موجب سقوط انسان در دام طغی و پوچی و در دره گمراهی است؛ زیرا انحراف از جاده حقیقت، در مورد تمام حقایق و زیربنایی ترین افکار، با انحراف از جاده حقیقت در مسائل جزئی و بنیایی ملازم است؛ چنان که صحت این دعوا را می توان به وضوح از آثار سوء فلسفه های الحادی مشاهده کرد؛ از این رو لازم است انسان همواره به این خطا توجه نموده و افزون بر اینکه با یافتن یک فلسفه درخور تصدیق، خود را از نقیصه نادانی نسبت به عام ترین حقایق و زیربنایی ترین افکار می رهاند، باید پیوسته در صدد بررسی و تحقیق بیشتر در مسائل به ظاهر کشف شده، یا ناقص کشف شده باشد، تا گرفتار جهل مرکب که بدتر از جهل بسیط است - آن هم در مورد عام ترین حقایق و زیربنایی ترین افکار - نگردد.

از سویی به نظر نگارنده، فلسفه های رایج و پررونق همه بر دو پایه موهوم

و دو اندیشه باطل پی‌ریزی شده‌اند که هر کدام بدون هر تأمل درخوری و بی‌هیچ برهانی، دیدگاهی مسلم و نظریه‌ای قطعی‌الصدق پنداشته شده، سپس بر اساس آن دو پایه موهوم، اما مسلم‌الصدق و غیرقابل مناقشه تفلسف، و به ظاهر فلسفه‌هایی ساخته شده‌اند؛ این دو دیدگاه عبارتند از یک - بحث تکثر «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - که در همه فلسفه‌های رایج و پررونق به گونه‌ای اصل آن مسلم و غیرقابل مناقشه گرفته شده، اگر اختلافی هست در مقدار و خونگی آن است و دو - قضیه حکم‌پذیری «هستی» که این نیز اصلی مسلم‌الصدق پنداشته شده است؛ حال آنکه در فلسفه‌های رایج بر این دو اندیشه نه تنها برهانی نیست، بلکه بر نفی آنها برهان‌هایی می‌توان ارائه کرد. «هستی» هم‌گونه کرتی ندارد؛ چون بر اساس اصل امتناع ذاتی تناقض، «هستی» بدون هیچ شرط و قیدی، طارد نیستی و مناقض عدم است؛ بنابراین او بدون هر شرط و قیدی، جاد و بنابراین واجب‌الوجود بالذات است. و روشن است که واجب‌الوجود بالذات هیچ‌گونه کثرتی ندارد؛ پس «هستی» هیچ کثرتی ندارد و از این رو او هیچ حاکمی نیز ندارد؛ چون هر گونه حکمی برای «هستی» با پذیرش نوعی کثرت در آن ما زم است که مفروض، بطلان آن است.

پذیرش این دو پایه موهوم و بی‌اساس در فلسفه‌های رایج و پررونق شکاف عمیقی را بین این شبه‌فلسفه‌ها و فلسفه واقعی ایجاد کرده است؛ زیرا بر مبنای این دو دیدگاه، خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع فلسفه‌اولی پنداشته شده و به دنبالش مسائلی را به عنوان احکام این موضوع ارائه کرده‌اند؛ حال آنکه خود «هستی» - به معنای مطلق واقعیت - موضوع نیست و حکمی ندارد تا بحث و جست‌وجو شود برای احکام آن و سپس احکامی برای آن ارائه گردد؛ بنابراین ضرورت دارد این فلسفه‌ها هم به لحاظ این دو دیدگاه که پایه همه آنها است و هم به لحاظ مسائلی که بر اساس این دو دیدگاه در آنها شکل گرفته، مورد نقد واقع گردند و سپس فلسفه‌ای بر پایه نفی هر گونه کثرتی در خود «هستی» پی‌ریزی، بازسازی و ارائه گردد.

به نظر ما تحقیق حاضر زمینه‌های لازم برای نقد مبنا و بنای فلسفه‌های رایج و ارائه مبانی لازم برای بازسازی فلسفه‌ای نوین بر پایه نفی هر کثرتی در خود «هستی» را فراهم نموده است.

ب) پیشینه تحقیق

فلسفه تقریباً عمری برابر عمر انسان دارد؛ زیرا توجه به فلسفه، در عمق وجود انسان ریشه دارد؛ چون انسان همواره به گونه فطری با پرسش‌های بنیادین در مورد نظم این حقایق هستی مواجه بوده است و به گونه فطری برانگیخته می‌شده است که پاسخ‌هایی را در مورد آن پرسش‌ها بیابد؛ از این رو ما از عهد باستان تا کنون همواره با فلسفه‌ها و فلسفه‌سازی‌های گوناگون مواجه بوده و هستیم. این فلسفه بر اساس عوامل مختلف، با رویکردهای گوناگون و با شیوه‌های متفاوت به وجود آمده‌اند؛ برخی الهی‌اند و برخی الحادی؛ برخی مادی‌گرایانه‌اند و برخی متافیزیکی، برخی وحدت‌گرا هستند و برخی کثرت‌گرا؛ همچنین به لحاظ شیوه اکتساب، برخی اصالت را به فکر و نظر می‌دهند، و برخی به ریاضت و شهود و برخی سعی در جمع هر دو راه دارند. در این میان، توجه به وحدت یا کثرت وجود، «وجود» و «موجود» نقش چشمگیری در انعقاد مکاتب فلسفی وحدت‌گرا یا کثرت‌گرا داشته است؛ زیرا بر اساس میزان قوت و ضعفی که در کثرت وجود یا موجود در قبول صاحب‌نظران بوده، سه مکتب معروف مشائی، اشراقی و متعالی شکل گرفته است؛ توضیح که وجود نزد مشائیان متکثر به گونه‌ای که برای آن، فلسفه‌ای متباینه‌ای قائل شده‌اند؛ بنابراین موضوع فلسفه برای آنها، حقایقی است متکثر و متباین که جامع ذاتی مشترکی بین آنها نیست، و فقط آنها در یک مفهوم عامی که بالعرض بر آنها حمل می‌شود، اشتراک دارند. طبعاً فلسفه‌ای با چنین موضوعی، از فلسفه‌هایی که موضوعش وجودی است که فقط یک حقیقت واحد دارد، یا چند حقیقت معدود دارد، متفاوت است. اینجا بود که مکتب فلسفی مشائی بر اساس موضوعی چنین متکثر شکل گرفت. در فلسفه اشراقی

نیز موجود متکثر و متباین بود، ولی تباین آن فقط به دو حقیقت نور و ظلمت منحصر بود؛ بنابراین فلسفه‌ای که آنها برای چنین موضوعی با چنین تکتیری ساختند، از فلسفه‌های دیگر متمایز بود، و اینجا بود که مکتب خاصی در فلسفه شکل گرفت. بعد نوبت به حکمت متعالیه صدرائی رسید. صدرالمتهلین موضوع فلسفه را «وجود» که حقیقتی یک‌گونه و موجودی یگانه، اما دارای مراتب متعدد بود قرار داد، و طبعاً فلسفه‌ای متناسب با چنین موضوعی که به «ثروت تشکیکی، واحد و متکثر بود، شکل گرفت و مکتب جدیدی در فلسفه به ظهور رسید.

فلسفه‌های مدون و رایج، در طول تاریخ عموماً بر اساس کثرت وجود یا موجود تک‌گانه و تعدوین شده‌اند؛ زیرا کثرت وجود یا موجود با محسوسات و مشهودات دانش‌پژوهان سازگارتر بوده، بلکه آنها کثرت وجود یا موجود را یک امر بدیهی و غیر قابل بحث تلقی می‌کرده‌اند؛ اما در عین حال، بحث وحدت وجود یا وحد و رازم آن، همواره مورد توجه فیلسوفان بوده است، و از دوره فلسفه‌های یونان باستان به امروز، گفت‌وگوهای در تأیید آن مطرح بوده است. در دوره اسلامی به برکت آیات و روایاتی در این زمینه، این بحث شکوفایی خاصی یافت و ابتدا در عرفان عملی و سپس در عرفان نظری، شخصیت‌هایی چون حلاج، ابن عربی، قونوی، مولوی، ابن‌ترکه، سیدحیدر آملی و دیگران از این دیدگاه حمایت کردند؛ بر اساس این دیدگاه، حقیقت «وجود» هیچ‌گونه کثرتی در خود ندارد، بلکه اگر کثرتی هست مربوط به ظهورات و تجلیات این حقیقت از هر جهت نامتکثر است. روشن است که اگر فلسفه بر اساس این دیدگاه بازسازی شود، باید در کلیت فلسفه‌های رایج تجدید نظر شود و چون این دیدگاه که «وجود» هیچ‌گونه تکتیری در خودش نیست، با برهین متعدد قابل اثبات است؛ بنابراین چاره‌ای نیست که باید فلسفه بر این

۱. برای نمونه، رک: مهدی جواهریان و پیام یزدانجو؛ *اوپانیشاده‌ها*: جان و جهان؛ دفتر دوم،

مبنا‌نوسازی گردد و این هدفی است که در این رساله پیگیری خواهد شد. باید توجه داشت صدرالمعالمین و پیروانش گام فراخی در تدوین یک فلسفه وحدت‌گرا برداشتند که به عنوان «حکمت متعالیه» یا «فلسفه برین» مشهور شده است؛ ولی به نظر نگارنده این گام فراخ، از گام‌های اولیه و پیشین برای رسیدن به یک فلسفه وحدت‌گرای برین است، و در رهانیدن فلسفه از کثرت‌گرایی، در وجود و رساندن آن به هویت واقعی‌اش کافی نبود؛ زیرا هستی - به معنای مطلق واقعیت - از آن جهت که هستی است، به کلی از کثرت مبرا است. ولی مسئله انسان یا به گونه تشکیک تفاضلی یا غیرتفاضلی در حقیقت «وجود»، کثرت را راه می‌دهد و از همین نقطه، زمینه زاویه‌گیری از جاده حقیقت در راه مطلق شدن شکل گرفته است؛ ازاین‌رو در گام‌های پسین، باید حقیقت «وجود» را از هر گونه کثرتی منزّه دانست و سپس بر مبنای نفی هر کثرتی در خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - فلسفه را بازسازی کرد؛ ازاین‌رو ما این بازتولید فلسفه را «گام‌های پسین در فلسفه برین» نام نهادیم.

ج) هدف و روش در این تحقیق

هدف در این پژوهش این است که زمینه‌های عقاید ارسطو برای بازسازی فلسفه بر اساس مبانی زیر فراهم شود. این مبانی متعدّدند نه تنها در اصل آنها را در آخر رساله اثبات کرده‌ایم؛ ولی از میان آنها سه مبنای اصلی تر و بیشتر اهمیت دارند که عبارت‌اند:

۱. در خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - هیچ گونه تکثری نیست. نه کثرت تباینی، نه کثرت تشکیک تفاضلی و نه کثرت تشکیک غیرتفاضلی و نه هر گونه کثرت قابل تصور دیگری که مربوط به خود هستی - به معنای مطلق واقعیت باشد.

۲. حقیقت «وجود» بدون هیچ گونه تکثری و بدون هیچ گونه تغییر در

خودش به کاستی و افزونی، یا به تنزل و تقید، به گونهٔ نفس‌آوری، در قالب‌های متعدد، بلکه بی‌نهایت، تجلی و ظهور می‌کند.

۳. موضوع فلسفهٔ اولی عبارت است از حقیقت «وجود» از آن جهت که ظهور دارد، نه «موجود» از آن جهت که موجود است و نه حقیقت «وجود» از آن جهت که وجود یا موجود است.

روش و شیوهٔ ما در این رساله، صرفاً استدلالی و اغلب برهانی است. ما هر دلیلی را با برهان رد می‌کنیم و نیز هر دعوایی را با شیوهٔ برهانی اثبات می‌کنیم؛ هرچند گاهی به سبب عوامل خاصی از شیوهٔ جدلی نیز بهره برده‌ایم. در بیان استدلال‌ها، سعی کرده‌ایم بر اساس قواعد و قالب‌های منطقی، استدلال‌ها را تنظیم کنیم، تا در استدلال‌ها، ابهام‌ها کمتر و التزام به نتیجه، آسان‌تر شود.

(د) تعریف مسئله و بیان پرسش‌های تحقیق

قبل از اینکه به فلسفه‌خوانی یا فلسفه‌سازی روآوریم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که فلسفه در چه زمینه‌هایی ممکن است به انسان اطلاعاتی بدهد، و راجع به چه موضوع یا موضوعاتی می‌تواند سخن بگوید؟ آیا آن‌گونه که فلاسفه ادعا کرده‌اند، موضوع فلسفه عبارت است از حقیقت «وجود» یا «وجود مطلق» یا «موجود بما هو موجود»؟ یا آن‌گونه که عرفا می‌گویند، اصلاً خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - هیچ اسم و رسمی ندارد و حکم‌پذیر نیست؟ از این‌رو در این رساله ابتدا این پرسش طرح شده است که آیا دیدگاه عموم فلاسفه دربارهٔ موضوع فلسفه درست است یا نه؟ و به دنبال این پرسش‌ها مطرح است که آیا آنچه به عنوان احکام هستی - به معنای مطلق واقعیت - در مسائل فلسفی مطرح شده، شرایط حکم‌بودن را برای چنین موضوعی دارند یا نه؟ و اگر شرایط حکم‌بودن را ندارند، موانع حکم‌بودن آنها برای چنین موضوعی و موانع موضوع‌شدن هستی - به معنای مطلق واقعیت - برای چنین احکامی چیست؟ بعد از اینکه روشن شد هستی - به معنای مطلق

واقعیت - ممکن نیست موضوع فلسفه اولی باشد، این پرسش مطرح شده است چه چیزی شایسته است که موضوع فلسفه اولی باشد؟ و محمولات مسائل فلسفی باید چه خصایصی داشته باشند؟

ه) فرضیه‌های تحقیق

۱. بر این بحث‌های انجام‌شده در این رساله، فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:
 ۱. خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - به هیچ وجه تکثری ندارد.
 ۲. از این رو - دلایل‌های دیگر، خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - حکم‌پذیر نیست؛ بنابراین، این حقیقت - با تعبیرهای مختلفش - موضوع فلسفه اولی نیست.
 ۳. از این رو، در گزارشی که موضوعشان هستی و محمولشان یکی از امور عامه است، نه آن امور عامه از احکام حقیقت «وجود» هستند و نه آن گزاره‌ها از مسائل فلسفه اولی، بلکه آن گزاره‌ها از بادهای صدفی فلسفه اولی هستند.
 ۴. موضوع فلسفه اولی، حقیقت «وجود» است از آن جهت که ظهور دارد.
 ۵. ظاهره حقیقت «وجود»، نمودی است از «حقیقت وجود» که بدون اینکه هیچ گونه تغییری و تکثری در شئیت این حقیقت به وجود آورد، آن را در قالب خاصی نشان می‌دهد.
 ۶. بر خلاف خود هستی - به معنای مطلق واقعیت - که به هیچ وجه تکثری ندارد، ظاهره‌های «وجود» متکثر، بلکه بی‌نهایت هستند.
 ۷. محمولاتی که بر موضوع فلسفه اولی، یعنی حقیقت «وجود» است - به جهت ظهورش، حمل می‌گردند، همان ظاهره‌های «وجود» هستند.
 ۸. بر پایه موضوع و محمول انتخابی، باید فلسفه اولی در کلیتش بازسازی شود یا احیاناً تحلیل آن عوض گردد.

و) نوآوری و نقدهای تحقیق

چنان‌که قبلاً اشاره شد، این رساله دو بخش اصلی دارد. بخش اول به طور

عمده نقدهایی است که در زمینه مبادی و مسائل اصلی سه مکتب فلسفی معروف و رایج مشائی، اشراقی و متعالی وارد شده است.

از مهم‌ترین مبادی این سه مکتب، موضوع فلسفه اولی است که از نظر هر سه مکتب عبارت است از خود «هستی» به معنای مطلق واقعیت. در نقد این دیدگاه، هم نقدهای مشترک بر سه مکتب وارد شده است و هم نقدهایی که به هر یک از این سه مکتب، اختصاص دارد. در نقد مشترک با براهین متعدد بر این شده که خود «هستی» اصلاً حکم‌پذیر نیست و نیز موانع حکم‌پذیری «هستی» بسیار است و بدین وسیله روشن شده است که اصلاً زمینه عروض و لطف هیچ حکمی در خود «هستی» فراهم نیست تا بتوان این حقیقت را به وسیله فلسفه اولی قرار داد. در نقدهای اختصاصی هر مکتب نیز روشن شده است که در نگاه‌های هر یک از این سه مکتب به گونه‌ای است که با موضوع بودن خود «هستی» برین فلسفه سازگاری ندارد.

در همین بخش، سایر مبادی و مسائل اصلی هر یک از سه مکتب، مورد نقد واقع شده و با براهین متقن و روشن، کاستی یا بطلان هر یک از آنها روشن گردیده و بدین وسیله ضرورت تجدیدنظر و بازسازی در مبادی و مسائل فلسفه اولی روشن شده است.

در بخش دوم که عمده مباحث آن، بدیع و بی‌ابقاع، با طرح مقدماتی، ابتدا ثابت شده است که حقیقت «وجود»، بدون اینکه در حدیثش هیچ گونه تکثیری یا تغییری به کاستی یا افزونی، رخ دهد، می‌تواند در زمینه‌ی مختلفی ظاهر شود. این ادعا را هم به شیوه جدلی و بر اساس مبانی پذیرفته‌شده فلاسفه روشن کرده‌ایم، تا استیناسی نسبت به این ادعا فراهم شده باشد و هم آن را با دو برهان مبتنی بر مقدمات بدیهی روشن کرده‌ایم، تا مسئله به صورت یقینی نیز اثبات شده باشد.

پس با طرح این دیدگاه که موضوع فلسفه اولی، «حقیقت وجود از جهت ظهور»، است. روشن کرده‌ایم نه تنها موانعی که از موضوع بودن خود «هستی» برای فلسفه جلوگیری می‌کرد در این دیدگاه وجود ندارد، بلکه شرایط لازم

برای موضوع فلسفه بودن را نیز واجد است؛ ازاین رو، ما در دیدگاه انتخابی، موضوع فلسفه اولی را همین موضوع قرار دادیم و گفته ایم که موضوع فلسفه اولی عبارت است از حقیقت «وجود» از آن جهت که ظهور دارد، نه از آن جهت که وجود یا موجود است.

عوض شدن موضوع فلسفه اولی، در دگرگونی ساختار و محتوای مسائل آن نقش ربروی خواهد داشت؛ از جمله اینکه تمام گزاره هایی که در بخش امور عامه در فلسفه های رایج از مسائل فلسفه اولی محسوب می گردند، در فلسفه انتخابی ما از بصری تصدیقی فلسفه اولی خواهند شد؛ زیرا بر مبنای حکم ناپذیری خود «هست»، محمولاتی که در بخش امور عامه بر «هستی» حمل می گردند، اثبات این حقیقت نخواهد بود؛ بنابراین گزاره های حاصله، از مسائل فلسفه اولی نخواهند بود، بلکه همه آن محمولات از ظهورات این حقیقت خواهند بود و حمل آنها بر هستی روشن می کند که این حقیقت در قالب تعیین آن امور به تجلی و ظهور رسیده است؛ ازاین رو، این حقیقت که در چهره این امور عام ظاهر و متجلی شده است، به لحاظ مطلق ظهور موضوع فلسفه اولی می گردد و از اینجا به بعد باید به جست و جوی احکام این حقیقت متجلی، از آن جهت که حقیقت متجلی است، پردازیم. با حمل آن احکام بر «وجود متجلی» مسائلی از مسائل فلسفه اولی شکل می گیرد.

در ادامه این بخش به اثبات مهم ترین گزاره هایی که در نگاه ما از مبادی تصدیقی فلسفه اولی هستند پرداخته ایم و هر یک از آنها را با براین استدلال که معمولاً بدیع و بی سابقه اند - اثبات نموده ایم.

ز) ساختار کلی این تحقیق

رساله ای را که در پیش رو دارید و با نام «گام های پسین در فلسفه برین (گام مبنایی)» نام گذاری شده است، شامل یک دیباچه و دو بخش است.

در دیباچه به نکات مقدماتی مثل ضرورت فلسفه سازی، پیشینه، هدف، پرسش های اصلی و فرعی، فرضیه ها و نوآوری های تحقیق پرداخته شده است.

بخش اول رساله که با عنوان «فلسفه از نگاه دیگران» نام‌گذاری شده است، شامل یک مقدمه با عنوان «تمهیدات» و سه فصل است. هر فصل نیز دو مبحث و هر مبحث چندین گفتار دارد. در مقدمه این بخش عمدتاً به بحث حکم‌ناپذیری «وجود» و نکات مربوط به آن، که زیربنای نقدهایی است که در بخش اول به مکاتب سه‌گانه وارد شده، پرداخته شده است.

فصل اول بخش اول، شامل دو مبحث است که در مبحث اول، مبادی و مسائلی اصلی فلسفه مشائی، ارائه و مستندسازی شده، و در مبحث دوم مطالب مبحث اول جمع شده است.

فصل دوم این بخش نیز شامل دو مبحث است که در مبحث اول، مبادی و مسائلی اصلی فلسفه اشراقی ارائه و مستندسازی شده و در مبحث دوم، مطالب مبحث اول نقد شده است.

همچنین فصل سوم این بخش، شامل دو مبحث است که در مبحث اول مبادی و مسائلی اصلی فلسفه متعالی صدری ارائه و مستندسازی شده است، و در مبحث دوم، مطالب مبحث اول نقد شده است.

بخش دوم رساله که با عنوان «فلسفه از نگاه ما» نام‌گذاری شده است، شامل دو فصل و هر فصل شامل دو مبحث، و هر مبحث شامل چندین گفتار است.

در مبحث اول از فصل اول بخش دوم با هشت گفتار به بحث مقدماتی مربوط به موضوع فلسفه اولی از نگاه ما پرداخته شده است. در مبحث دوم همان فصل اول، با دو گفتار در مورد خود معرفت فلسفه اولی از نگاه ما، مطالبی ارائه شده است.

در مبحث اول از فصل دوم بخش دوم با سه گفتار به مباحث مقدماتی درباره مبادی تصدیقی فلسفه اولی پرداخته شده است. در مبحث دوم از همین فصل با ده گفتار مهم‌ترین مبادی تصدیقی فلسفه اولی اثبات شده است.